

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



بررسی و نقد مکتب تربیتی لیبرالیسم با تأکید بر مناسبات

نظام‌های سیاسی و آموزشی از منظر حکمت توحیدی

جاوید شورچی گلنگداری^۱، محسن ایمانی نایینی^۲، معصومه صمدی^۳

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران Jshoorchi@yahoo.com

^۲ عضو هیأت علمی و دانشیار دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)، تهران، ایران eimanim@modares.ac.ir

^۳ عضو هیأت علمی و دانشیار پژوهشگاه تعلیم و تربیت تهران، ایران yahoo.com30Fsamadi@

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی مکتب تربیتی لیبرالیسم با تأکید بر مناسبات نظام‌های سیاسی و آموزشی است که طی آن، مبانی لیبرالیسم شامل: «محوریت انسان»، «باور جهان مادی»، «اعتبار عقل علمی» و «ارزش بنیادین آزادی»؛ اصول لیبرالیسم از جمله: «فردگرایی»، «کثرت‌گرایی»، «تساهل و تسامح»، «جدایی دین از سیاست»، «اصالت سود»، «عدالت معاوضه‌ای» و «قانون‌مداری»؛ تکالیف نظام سیاسی لیبرال مانند: «مداخله حداقلی»، «حفظ آزادی آکادمیک»، «توسعه آموزش همگانی»؛ وظایف نظام آموزشی لیبرال نظیر: «تربیت مدنی»، «آموزش عملی-کاربردی»، «تربیت انسان آزاد»، «پرورش عقل» و «برنامه درسی سکولار» از منظر حکمت توحیدی بررسی و نقد شده و مبانی، اصول و مناسبات مقبول ارائه شده است.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که از منظر حکمت توحیدی، به ترتیب، بر مبانی مکتب تربیتی لیبرالیسم، به استناد: «برهان حدوث»، «براهین علت و معلول و حرکت»، «تقیید عقل علمی»، «محدودیت آزادی منفی»؛ بر اصول لیبرالیسم به استناد: «ضرورت توجه توأمان به فرد، جامعه و ملاک‌های ارزشی»، «اصول محال بودن تناقض، علیت و هوویت و تشکیک در ایصال کثرت‌گرایی به سعادت»، «تناقض اصرار بر رویه‌های سکولار با اجتناب از گسترش ادیان»، «تعارض منافع فرد و جامعه با ارزش‌ها»، «ایجاد فاصله‌های طبقاتی» و «اهمیت اشراف کامل قانون‌گذار بر ابعاد زندگی»؛ بر تکالیف نظام سیاسی به استناد: «جدایی ناپذیری نظام آموزشی از حکومت و تخسیر غفلت از آن» و «تقابل آموزش همگانی با سایر اصول لیبرالیستی»؛ بر وظایف نظام آموزشی به استناد: «عدم کفایت آموزش شهروندان آزاد»، «غفلت از تربیت معنوی»، «بی‌توجهی به آزادی‌های موسع»، «تأکید بر عقل علمی و چشم‌پوشی از عقل دینی»، «بروز مسائل فردی-اجتماعی متأثر از آموزش‌های مادی» اشکالات اساسی وارد است.

واژه‌های کلیدی

مکتب تربیتی لیبرالیسم، نظام آموزشی، نظام سیاسی، حکمت توحیدی

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



مقدمه

جایگاه محوری نظام‌های آموزشی، دولت‌ها را به فراخور ایدئولوژی حاکم و گستره نفوذ، به تنظیم مناسبات و بهره‌گیری از ظرفیت آن‌ها واداشته است. در همین راستا، حکومت‌ها تلاش کرده‌اند بر شیوه عملکرد نظام‌های آموزشی تأثیر گذاشته، اراده خویش را بر آن‌ها تحمیل نمایند. (Adalatnejad, 1994) از آن‌جا که راه به‌سوی آینده بهتر از مسیر پیوندهای نزدیک‌تر میان نهادهای اجتماعی و فرهنگی می‌گذرد. (Apple, 2021) از نظام‌های آموزشی انتظار می‌رود ضمن تعامل مناسب با سایر نهادهای سیاسی-اجتماعی، به انجام تکالیف اصلیشان پایبند باشند. اندیشمندان حوزه تربیت با طراحی الگوها و تجویز برنامه‌های تربیتی مکاتب مختلفی را بنیان نهاده‌اند و وجود مکاتب تربیتی مختلف، ضرورت نقد و بررسی آرا و نظریه‌های تربیتی را به‌منظور انتخاب مکتب معتبر آشکار ساخته است. امروزه اندیشه‌های لیبرالیستی، بر ساحت‌های مختلف جوامع تأثیر گذاشته و آثار آن بر نظام‌های آموزشی به‌وضوح قابل تشخیص است. اگرچه لیبرالیسم، بر بی‌طرفی ایدئولوژیک، حکومت سکولار، جدایی دین از شئون سیاسی-اجتماعی، فردگرایی، تفکیک واقعیت از ارزش، جدایی هست و باید، نسبت و شخصی‌بودن ارزش تأکید دارد، با این وجود اعتبار و کارایی آن به‌دلایل متعددی از جمله خودمداری، آنارشیسم اخلاقی، نفی مصالح عمومی، اصالت میل و اسارت عقل، حال‌مداری، گسیختگی اجتماعی، بحران معنا، رشد نظام طبقاتی، قدرت‌مداری سیاسی، توجیه‌ناپذیری مورد نقد قرار گرفته (Shakerin, 2009) و از منظر معیار، نیازمند تأمل است. با توجه به تصریح آیه شریفه «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْوَالُونَ الْأَلْبَابُ» (زمر/۱۸) مبنی بر شنیدن اقوال و انتخاب بهترین آن‌ها و تکالیف ذاتی علوم تربیتی در شناخت انتقادی مکاتب حاکم بر تعلیم و تربیت، (Zibakalam & Mohammadi, 2017) تعیین کارایی و اعتبار مکتب تربیتی لیبرالیسم از منظر حکمت توحیدی هدف پژوهش حاضر است که طی آن تلاش شده با ابتنا بر رویه قرآنی «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/۱۲۵)، ضمن پرهیز از پیش‌داوری و سوگیری، مبانی، اصول و مناسبات نظام‌های سیاسی و آموزشی مکتب تربیتی لیبرالیسم شناسایی و مورد بررسی و نقد واقع شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر هدف توسعه‌ای و کاربردی است که در آن از روش‌های تحلیل مفهومی^۱ و تحلیل تطبیقی^۲ استفاده شده است. تجزیه کلمه به اجزای آن، تعریف کلمه، کاربرد آن در شکل‌های مختلف زبانی و مشخص کردن شرط‌های لازم و کافی برای به‌کارگیری آن، از روش‌های متداول و شناخته شده تحلیل مفهومی است. (Tavassoli, 2019) تحلیل تطبیقی که با داده‌های دو جامعه در سطح کلان مرتبط است، با دو هدف تبیین کردن و تفسیر کردن تفاوت‌های اجتماعی کلان ربط وثیق دارد. (Ragin, 2017) برای انجام پژوهش، ضمن تشخیص مهم‌ترین واژگان و توصیف، ریشه‌یابی و تحلیل کیفی اصطلاحات اساسی، مجموعه‌ای از مفاهیم مشترک و مرتبط با مکتب تربیتی لیبرالیسم و مناسبات نظام‌های سیاسی و آموزشی آن، شکل گرفته و بر اساس معیارهای منطقی و براهین عقلی بررسی و نقد شده است. پس از تحلیل تطبیقی میان آرا و رویه‌های نظام توحیدی و مکتب لیبرالیستی، نقاط اشتراک و افتراق دو دیدگاه، تعیین و ارائه شد. گردآوری داده‌های کیفی پژوهش به‌صورت کتابخانه‌ای، با مراجعه به قرآن کریم، کتاب‌ها و مقاله‌های علوم تربیتی و سیاسی با استفاده از ابزار فیش‌برداری و تجمیع داده‌های رایانه‌ای انجام پذیرفته و در تجزیه-تحلیل مطالب از نظرات خبرگانی بهره‌گیری شده است.

حکمت توحیدی

«حکمت» در زبان عربی، از ریشه «حکم» در لغت به‌معنای؛ منع، جلوگیری، بازداشتن و بازدارندگی و در اصطلاح به‌معنای علم جستجوی حقایق اشیا به‌قدر طاقت و استطاعت بشری (Jorjani, 1991, p. 41) و معادلی برای فلسفه است. منابع فارسی، «حکمت» را مترادف فرزنگی، خرد، علم، دانش، راستی، درستی و کلام موافق حق آورده و آن را «دانستن چیزها چنان‌که باشد و قیام نمودن به کارها چنان‌که باید، به‌قدر استطاعت» (Tusi, 1977, p. 37) دانسته‌اند. حکمت در قرآن کریم، معرفتی الهی است که با تعلیم کتاب^۳ همراه

¹ Conceptual Analysis

² Comparative Analysis

^۳ «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَقِي ضَلَّالٍ مُبِينٍ» (جمعه/۲)

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



شده، بر دریافت خیر کثیر^۴ و برخورداری از ملک عظیم^۵ اشاره دارد و هم‌چون سایر معارف اسلامی، توحیدی است.^۶ «توحید»، به معنای «یگانه دانستن» است (Ragheb Isfahani, 502 AH, p. 551) و «حکمت توحیدی» منظومه‌ای تربیتی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و سیره انبیای الهی است که هدف غایی آن تربیت انسان موحد و تحقق مراتبی از حیات طیبه است. «تعلیم و تربیت اسلامی» منبعث از «حکمت توحیدی» به معنای «شناخت خدا به‌عنوان رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به‌عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر» (Bagheri, 2009, p. 99) اوست. در پژوهش حاضر، از حکمت توحیدی و دلالت‌های تربیتی آن به‌عنوان «نظام توحیدی» نیز یاد شده است.

نظام آموزشی

آموزش و پرورش به معنی اعم، مترادف با جامعه‌پذیری یا فراگردی است که افراد از طریق آن به یادگیری نقش‌ها، قواعد، روابط و به‌طور کلی فرهنگ جامعه می‌پردازند و به معنی اخص، فرآیندی است که افراد به‌واسطه آن در وضعیت‌های اجتماعی سازمان‌یافته، در معرض آموزش منظم دانش‌ها و مهارت‌ها و رفتارها و گرایش‌های معین قرار می‌گیرند. در هر جامعه این وضعیت‌ها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمان‌های رسمی آن تشکل می‌یابند. آموزش و پرورش به‌طور کلی و آموزش و پرورش مدرسه‌ای به‌ویژه، یک نظام اجتماعی است؛ به‌عنوان نظام، دارای پاره‌ای خصایص و کارکردهای بی‌همتاست و با سایر نظام‌های جامعه در کنش و واکنش متقابل است. (Alagheband, 1996, p. 17_107)

نظام سیاسی^۷

نظام سیاسی، نهادی اجتماعی است؛ واجد قدرتی مشروع که عهده‌دار سیاست‌گذاری و سازمان‌دهی منابع جهت تحقق اهداف جامعه اعم از حفظ نظم و همبستگی اجتماعی است. ویژگی اصلی نظام سیاسی «توانایی آن در اتخاذ تصمیم‌های نافذی است که مشروع و الزام‌آور محسوب می‌شوند. نظام سیاسی حافظ نظم جامعه است. (Alagheband, 1996, p. 102) در ساحت توحیدی، نظام سیاسی، ضامن تصلیح امور، ترویج آگاهی و تقویم آزادی است.^۸

مکتب تربیتی لیبرالیسم

لیبرالیسم^۹ دارای تاریخی متنوع است که سنت‌های مختلف فکری را گرد هم می‌آورد. (Zibakalam & Mohammadi, 2017, p. 8) اگرچه، لیبرالیسم را ایدئولوژی غالب عصر حاضر نامیده‌اند، اما شخصیت آن هم‌چنان موضوع بحث و جدال شدید علمی و سیاسی است. (Jackson & Stears, 2012) لیبرالیسم را می‌توان به‌طور دقیق‌نگرشی به زندگی و مسائل آن وصف کرد که تأکیدش بر ارزش‌هایی هم‌چون آزادی برای افراد، اقلیت‌ها و ملت‌هاست. (Shapiro, 2001, p. 3) تاریخ ایده لیبرالیسم متصل به ایده آزادی یا آزادسازی است. (Tohidfam, 2004, p. 8) «مکتب تربیتی لیبرالیسم» مجلای آرای لیبرالیستی و دلالت‌های تربیتی آن است.

مبانی مکتب تربیتی لیبرالیسم

اومانیسیم^{۱۰} را می‌توان جنبش رنسانس تعریف کرد که محور اصلی آن آرمان «انسان انسانی» است. (Grudin, 2020) اکثر مکاتب فلسفی بعد از رنسانس، به‌نحوی ریشه‌ای، از تفکر اومانستی تأثیر پذیرفته، به انسان به‌عنوان موجودی فاعل و غایت، نظر کرده‌اند. اومانیسیم فلسفه‌ای است که ارزش یا مقام انسان را ارج می‌نهد، انسان را میزان همه‌چیز و سرشت انسانی، حدود، علایق و طبیعت آدمی را اصل قرار

^۴ «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (بقره/۲۶۹)
^۵ «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (نساء/۵۴)
^۶ «اسلام سراسرش توحید است.» (Motahari, 2006, p. 30)

^۷ Political System

^۸ «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (أعراف/۱۵۷)

^۹ Liberalism

^{۱۰} Humanism

اولین همایش ملی علوم انسان در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



می‌دهد. (Sanhepour, 1999) مطابق با این عقیده، انسان محور و مدار کائنات و کانون توجهات مکاتب و برنامه‌های آسمانی است. بدین‌سان، اصالت در همه زمینه‌ها از آن انسان و فهم اوست. (Vakili, 2005) اومانیسیم، واجد باورهای سلبی و ایجابی است. باورهای سلبی اومانیسیم را نفی باور به خدا،^{۱۱} نفی خلقت و جهان چندبعدی، نفی رسالت و وحی، انکار موجودات مجرد، نفی ساحت معنوی انسان، نفی غایت عالم، ثواب و عقاب اعمال می‌دانند و باورهای ایجابی آن را انسان‌محوری، زندگی دنیوی، تکیه بر عقل، کاربست روش علمی در فهم حقایق، دفاع از پژوهش آزاد، دفاع از رفق و مدارا، دفاع از حقوق فردی، دموکراسی و جدایی دین از سیاست نام برده‌اند. (Tavakoli, 2003) اومانیسیم را می‌توان مبنای محوری آرا و رویه‌های لیبرالیستی دانست. در باب هستی‌شناسی، اومانیسیت‌ها به مادی بودن عالم باور دارند. از جمله کانت^{۱۲} که معناداری را تنها به قلمرو ماده و علوم تجربی محدود می‌کند و برای امور مابعدالطبیعی هم‌چون خدا، جاودانگی نفس و اختیار، پاسخ اخلاقی تدارک می‌بیند. با این زمینه، دین را بر انسان متکی کرده، تلاش دارد تا با الوهیت‌زدایی از دین آن را به دینی کاملاً انسانی و مطابق عقلانیت بشری تبدیل کند. (Ghorbani, 2017) او معتقد است؛ عالم ماده محض است و انسان بدان معنا می‌بخشد. (Sanhepour, 1999, p. 110) انسان لیبرالیستی، به تعبیر کانت، «غایت فی نفسه» است، (Foroughi, 2009, p. 504) که به «انسان مادی» یا «انسان اقتصادی» معروف است. «انسان اقتصادی»^{۱۳} که در آرای متفکران لیبرالیسم از آدام اسمیت^{۱۴} تا استوارت میل^{۱۵} و لیبرالیسم متأخر به صورت ضمنی حمایت شده است؛ (Mohammadi, Bagheri, Talkhabi, & MirzaMohammadi, 2018) مانند بسیاری از اصول پایه‌ای اقتصاد سرمایه‌داری، قضیه‌ای ایدئولوژیک است، چنان‌که میل، «انسان اقتصادی مورد نظر کلاسیک‌ها را نه یک موجود خارجی، بلکه یک مفهوم انتزاعی می‌داند» (Hosseini, 2009) معرفت‌شناسی لیبرالیستی با انسان آغاز می‌شود و بر عقل خودبنیاد متکی است. از دیدگاه لیبرالیسم سنتی، انسان موجودی قائم به ذات است که می‌تواند با تکیه بر عقل خود، پیشرفت کند. (Zibakalam & Mohammadi, 2017) عقل‌گرایی^{۱۶} اعتقاد به کفایت خرد آدمی است و به معنای باور عقل به عنوان منبع معتبر معرفت و منشأ تلاش به منظور شناخت و اثبات حقایق عالم از راه براهین عقلی است. ورود به دنیای واقعی و شک‌گرایی در کنار اعتماد به تجربه شخصی در مسیر شناخت، اموری است که پایه‌های عقلانیت را در لیبرالیسم تشکیل می‌دهد. (Dabirnia & SadatNaghavi, 2016) لیبرالیسم، انسان را موجودی آزاد می‌داند و بر رهایی‌اش از بند سلطه‌های ساختاری تأکید دارد. (Zibakalam & Mohammadi, 2017, p. 15) بر همین مبنا، آزادی‌های فردی را ارزش و آنچه موجب سلب آزادی است؛ ضارزش می‌نامد. ارزش لیبرالیستی امری نسبی است که جنبه فردی پیدا می‌کند. از این‌منظر، استقلال فردی بی‌قید و شرط است، هر فردی آزاد است تعریف خود را از زندگی خوب و سعادت‌مندانانه داشته، با انتخاب و تصمیم فردی، مستقل از دخالت دولت یا هر مرجع قدرتمند دیگر، خواسته‌ها و ایدئال‌های فردی خود را جامه عمل ببوشاند. (Vaezi, 2003)

اصول محوری لیبرالیسم

با رجوع به آموزه‌های لیبرالیسم، اصول مشترکی از انگاره‌های لیبرالیستی از جمله: فردگرایی^{۱۷}، کثرت‌گرایی^{۱۸}، جدایی دین از سیاست^{۱۹}، تساهل و تسامح^{۲۰}، اصالت سود^{۲۱}، عدالت معاوضه‌ای^{۲۲} و قانون‌مداری^{۲۳} به دست می‌آید. فردگرایی مستلزم حق فرد برای آزادی و تحقق خویش است. (MeiksinsWood, 1972, pp. 6-7) لیبرالیسم تجویز یا تحمیل سبک خاصی از زندگی نیست و برای افراد، حق انتخاب و اختیار قایل

^{۱۱} لیبرالیست‌ها اگر معتقد به خدا باشند، معتقد به خدایی هستند که با زندگی اجتماعی انسان ارتباطی ندارد. او نمی‌تواند آزادی را، که حق طبیعی انسان است از او سلب کند. آن‌ها از خدایی که در زندگی اجتماعی دستورالعمل بدهد، گریزانند. (Bagherzadeh & Heidari, 2016)

^{۱۲} Immanuel Kant (1724-1804)

^{۱۳} Homo Economicus

^{۱۴} Adam Smith (1723_1790)

^{۱۵} John Stuart Mill (1806_1873)

^{۱۶} Rationalism

^{۱۷} Individualism

^{۱۸} Pluralism

^{۱۹} Secularism

^{۲۰} Tolerance

^{۲۱} Utilitarianism

^{۲۲} Commutative Justice

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



است. در فردگرایی لیبرال، اساس هویت، جدایی و تمایز هر فرد از دیگری است. انسان موجودی خودپایاست²⁴ که برای تحقق خویشتن، به محدوده خصوصی محتاج است؛ بنابراین، مشارکت، زندگی جمعی و مناسبات اجتماعی موجب از خودبیگانگی²⁵ است، زندگی هر فرد جزء دارایی‌های او به‌شمار می‌رود، زمام آن، فقط به‌دست اوست (Shakerin, 2009) و می‌بایست خود ارزش‌هایش را برگزیند. (Vakili, 2005) اصل‌گزینش در خصوص باورهای دینی نیز صادق است که به کثرت‌گرایی دینی²⁶ می‌انجامد، بدین معنا که «حقیقت و رستگاری، منحصر به دین ویژه‌ای نبوده و همه ادیان بهره‌ای از حقیقت مطلق و غایت قصوی دارند. (RabbaniGolpayegani, 2007) کثرت‌گرایی دینی به‌دنبال راهی برای اثبات حقانیت ادیان گوناگون و رستگاری پیروان آن‌هاست. (MohammadRezaei & Karimzadeh, 2010) کثرت‌گرایان دینی تصدیق می‌کنند؛ ادیان بزرگ راهی به‌سوی نجات عرضه می‌کنند و همه آن‌ها دربردارنده حقیقت دینی‌اند. (Lagenhausen, 2018, p. 11) جان هیک²⁷ معتقد است: «در تجربه دینی واقعی، هرگز با الوهیت به‌طور کلی و یا مطلق، به‌صورت عام مواجه نشده و همواره با اشکال خاص آن مواجهیم. (John Hick, 1999, pp. 80-82) جدایی دین از شئون سیاسی-اجتماعی و بی‌طرفی ایدئولوژیک وجه دیگر انگاره‌های لیبرالی است. در این انگاره، خدا، دین و امور غیبی در صورت وجود، حق دخالت و تأثیرگذاری در ابعاد نظری و عملی زندگی بشر را ندارند. با این پندار، عرصه سیاست، حکومت، معیشت و هر آن‌چه مربوط به زندگی اجتماعی است، تقدس‌زایی شده و از دخالت دین در آن‌ها جلوگیری می‌شود. دین به‌فرض پذیرش اصل آن، صرفاً تعلیمی است در عرصه عبادی و معنوی که اموری فردی و اخروی‌اند؛ نه اجتماعی و دنیوی. لیبرالیسم، مدعی است با اعتقاد به سکولاریسم، عرصه برای تسامح و تساهل دینی فراهم می‌شود. (Shakerin, 2009, p. 299) تساهل، از جمله ابزارهای نظام‌های سیاسی به‌منظور تحکیم حاکمیت، حفظ وحدت و کاهش تضادهاست که امکان تعامل گروه‌های مختلف اجتماعی را فراهم می‌سازد، اصل تساهل و تسامح به‌معنای تحمل اختیار عقاید مخالف و اظهار آن‌هاست و نظام‌های سیاسی، آرا و رویه‌های مخالف را تا جایی تاب می‌آورند که آسیبی به حاکمیت وارد نیآورده و با مصالح جامعه مغایر نباشند. تسامح و تساهل دینی، بدان معناست که یا حقیقتی وجود ندارد و «حق و باطل امور موهوم، اعتباری و قراردادی‌اند»، یا اگر حق و باطلی وجود دارد، «به‌دلیل مجمل و متشابه بودن، قرائت‌های مختلفی برمی‌تابند» و «آن‌قدر مهم نیستند که انسان بخواهد براساس آن‌ها صفت‌بندی کند.» (Nikzad, 2006) لیبرال‌ها به اصالت سود معتقدند. سودگرایان، درستی و نادرستی عمل را بر مبنای میزان سود، خوشی یا رفاه²⁸ ناشی از آن، ارزیابی می‌کنند. در نظر سودگرا، عملی درست و الزامی است که به بیشترین میزان سود و رفاه بیشترین افراد جامعه ذی‌ربط بیانجامد. اصل سود²⁹ یا اصل بالاترین خوشی³⁰ اصل محوری نظام اخلاقی سودگرایان است. (HosseiniSuraki, 2005) در چنین نگرشی، دنباله‌روی از امیال قابل سرزنش نیست و امری خردمندانه تلقی می‌شود. (Arbalster, 2013, pp. 50-52) با ابتنا بر این اصل، مساوات یا عدالت توزیعی³¹ (جمع‌گرایانه) به‌معنای تخصیص عادلانه منابع و حمایت از اقشار نیازمند رنگ می‌بازد و عدالت معاوضه‌ای (فردگرایانه) به‌منظور رعایت انصاف، اجتناب از اجحاف و جبران زیان در معاملات و مبادلات میان اشخاص، جایگزین آن می‌شود. بر این اساس، خاستگاه عدالت، اشخاص عاقل و مختاری هستند که هریک به‌دنبال اهداف شخصی و نامعین به تعامل می‌پردازند. این تعامل بر بستری از نظم خودانگیخته در متن سنت‌های اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود. هدف اجتماعی تحقق عدالت، کاهش نارضایتی عمومی و هدف فردی آن، حداکثرسازی رضایت است. (Forghani, 2016, pp. 107-108) عدالت لیبرالیستی، عدالت به‌معنای ساده و حداقلی مشتمل بر احترام به حقوق، اجرای قراردادها و مجازات مجرمان و موارد مشابه است، (Kautz, 1999) این تعریف از عدالت سه جنبه دارد: نخست، احکام بین فردی که مبتنی بر حقوق و وظایف فردی است و حمایت از رفتار صحیح افراد را شامل می‌شود. دوم، شخص نباید محروم و مجازات شود، مگر به‌خاطر تقصیر و انجام نادرست اعمال به‌صورت عمدی، بی‌پروا یا از روی سهل‌انگاری. سوم، تأکید بر رویه‌ها. لیبرال‌ها به امکان دستیابی به برابری، دموکراسی، عدالت، خیر عمومی و سایر آرمان‌ها از طریق اقدام قانونی و تجویز اعتقادی ندارند، تأکید بر رویه یکی از مبانی حاکمیت قانون است و محدودیت‌های قدرت را فراهم می‌کند. (Cooray, 1988) بدین منوال، تعریف قوانین لیبرالیستی شکل می‌گیرد، قانون‌مداری بر عدالت رجحان می‌یابد و عمل به قانون، زمینه‌ساز آزادی، امنیت و سعادت معرفی می‌شود. (Kautz, 1999) انسان به‌عنوان

²⁴ Self Sustaining

²⁵ Alienation

²⁶ Religious pluralism

²⁷ John Harwood Hick

²⁸ Welfare

²⁹ Principle Of Utility

³⁰ Principle Of Greatest Happiness

³¹ Distributive Justice

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



بهترین داور منافعی، قانون گذار زندگی خصوصی اش شده و دولت در عرصه عمومی، قوانین را مطابق با رضایت اکثریت و در راستای حفظ آزادی حداکثری وضع می کند. لیبرالیسم با منع دولت از دخالت در حوزه خصوصی، فرد را از چیرگی دولت رها ساخته، ورطه های انحصاری برای ظهور و بروز، در اختیارش قرار می دهد. دولت در عرصه خصوصی نمی تواند مداخله کند، مگر در مواردی که آزادی عمل فرد موجب ورود خسارت به دیگران شود. (Dabirnia & SadatNaghavi, 2016) میل در رساله «در باره آزادی»^{۳۲} در خصوص این اصل که از آن به عنوان اصل تراحم^{۳۳} (Laing, 2007, p. 185) یاد شده، بیان می دارد: تنها غایتی که به خاطر آن قدرت را می توان به صورتی مشروع بر هر فردی از یک اجتماع متمدن، برخلاف خواست خودش، اعمال کرد، آن است که از آسیب به دیگران جلوگیری شود. (StuartMill, 2001, p. 13) از این منظر، فرد مالک خویش است و آزاد است؛ ارزش هایش را مبتنی بر اراده اش تعیین نماید. (Dabirnia & SadatNaghavi, 2016, p. 81)

مناسبات نظام های سیاسی و آموزشی

نظام های سیاسی لیبرال، تکالیفی در قبال نظام های آموزشی داشته و در مقابل مطالباتی از آن ها دارند.

تکالیف نظام سیاسی در قبال نظام آموزشی

نظریه لیبرال دولت، ناشی از مسئله حفظ آزادی است. تعیین و رعایت محدوده قدرت و اقتدار دولت، ویژگی اساسی نظریه لیبرال دولت به شمار می آید. (Cooray, 1988) لیبرالیسم، آزادی آکادمیک^{۳۴} به معنای آزادی عمل مربیان در «تحقیق و تدریس» فارغ از تشویش «تنبیه و تهدید» را «مظهر آزادی نهادی و شعبه ای از حقوق آزادی بیان و اطلاعات می داند» (Gotek, 2014, p. 285) و گاه از موضع حقوق طبیعی، گاه با توجه به اصل فایده مندی و گاه بر اساس خطاپذیری به دفاع از آن پرداخته و به حداقل رسیدن مداخله های دولت در تعلیم و تربیت و عرصه های مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی افراد رأی می دهد. (Zibakalam & Mohammadi, 2017, pp. 12-15) مطابق با تفکرات لیبرالیستی همه افراد جامعه، باید از حق تعلیم و تربیت رسمی برخوردار باشند و فرصت های برابر برای همه فراهم شود تا استعدادهایشان شکوفا شده و به پیشرفت برسند. (Heydari, Arabi, & Emami, 2012) در جوامع لیبرال، تعلیم و تربیت اجباری و رایگان بوده و دولت عهده دار اجرایی کردن آن است. (Mohseni, Farhadi, & Qamarian, 2014, p. 20) بنابراین، حکومت های لیبرال به تأسیس نظام های آموزش همگانی دست یازیده اند. (Gotek, 2014, p. 283) «مداخله حداقلی»، «آزادی آکادمیک» و «توسعه آموزش های همگانی» تکالیف اصلی نظام سیاسی لیبرال در قبال نظام آموزشی است.

مطالبات نظام سیاسی لیبرال از نظام آموزشی

صاحب نظران تعلیم و تربیت لیبرال بر «پرورش تفکر انتقادی»، «عقلانیت یا پرورش ذهن در همه ابعاد»، «کسب دانش به دلیل دانش» و «همگانی بودن تعلیم و تربیت» تأکید داشته (Mohseni et al., 2014, p. 20) و بر «تربیت انسان آزاد»^{۳۵} و «خودگردان»^{۳۶}، «خردگرایی»^{۳۷} «تربیت مدنی»^{۳۸} «آموزش های عملی»^{۳۹}، «برنامه درسی سکولار»^{۴۰} اصرار ورزیده اند. اصطلاح آموزش لیبرال حتی اگر از مفهوم هنرهای لیبرال در اروپای قرون وسطی گرفته شده باشد، سیستمی آموزشی با هدف پرورش انسان های آزاد است (Yannis, 2019) و معنای اصلی آن، آموزشی است درخور فرد آزاد. (Matthew, 2017) از مهم ترین اهداف تربیت لیبرالیستی، تربیت انسان های آزاد است، انسان هایی که بتوانند در سایه آزادی نهادینه شده در جامعه، تفکر کرده، تصمیم بگیرند و بر اساس اعتقاداتشان عمل کنند. در این زمینه، نظام تربیتی، تربیت فردی را هدف قرار می دهد که با برخورداری از آزادی کامل و عدم وابستگی به دیگران، بدون اعمال هرگونه تحمیل، اهداف و روش زندگی اش را انتخاب نماید. (Heydari et al., 2012) خردگرایی، جنبش فلسفی قرن هفدهم، که توسط

³² On Liberty

³³ The harm principle

³⁴ Academic Freedom

³⁵ Freedom Human Education

³⁶ Personal Autonomy

³⁷ Rationalism

³⁸ Civic Education

³⁹ Practical Training

⁴⁰ Secular Curriculum

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



دکارت،^{۴۱} لایبنیتس^{۴۲} و اسپینوزا^{۴۳} مقابل تجارب حسی یا تعالیم دینی تقویت شد. خردگرایان معتقدند؛ واقعیت از نظر ذاتی ساختاری منطقی دارد و استدلال می‌کنند؛ حقایق خاصی وجود دارد که عقل می‌تواند مستقیماً آن‌ها را درک کند. (Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2018b) تأکید لیبرالیسم بر خردورزی، پرورش عقل و کارایی روش علمی، پیامدهای روشنی دارد. در آموزش و پرورش غیررسمی، دسترسی آزاد به اطلاعات، آزادی بیان و اجتماعات و اجتناب از سانسور مطبوعات، مستوجب رقابت اندیشه‌هاست و در آموزش و پرورش رسمی، زمینه‌ساز تجدیدنظر در برنامه‌های درسی به‌منظور کسب معارف با روش‌های علمی است. (Gotek, 2014, pp. 267-268) تربیت مدنی به‌معنای فرآیندهایی است که بر باورها، تعهدات، توانایی‌ها و اقدامات افراد به‌عنوان عضو یا اعضای احتمالی جوامع تأثیر می‌گذارد (Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2018a) و درصدد پرورش ارزش‌هایی است که موجب تحکیم تعهد شهروندان به مشارکت در فرآیند سیاسی شود. نظام آموزشی مکلف است، متریبان را بر اساس عقیده لیبرال‌ها که خصلت مدنی را به‌معنای «احترام گذاردن به عقاید دیگران اما نه لزوماً تأیید آن‌ها» (Gotek, 2014, pp. 284-285) می‌داند، برای حضور مؤثر در فعالیت‌های اجتماعی و مشارکت فعال در فرآیندهای سیاسی آماده سازد. امروزه، آموزش‌های عملی جایگاه ویژه‌ای در نظام‌های آموزشی لیبرال یافته‌اند، از یک‌سو، این اعتقاد که آموزش لیبرال باید بر طیف محدودی از خصوصیات فکری متمرکز شود؛ در حال بازنگری است، تا تأکید بر اتصال ایده‌ها با عمل باشد، (M. Freeland, 2009) از دیگرسو، دیدگاه‌های اقتصادی لیبرال بر سیاست‌گذاری‌های تربیتی آن اثر گذاشته تا اندیشمندان لیبرال، آموزشی را ارزشمند بدانند که جنبه عملی و کاربردی داشته، فرد را برای موفقیت در زندگی فردی و توانایی ایفای نقش اجتماعی آماده کند. (Kardan, 2002, p. 97) از آن‌جا که در سیاست‌گذاری به‌مفهوم وسیع، آموزش و پرورش با نیازهای اقتصادی جامعه، نیازهای بازار کار و عوامل تعیین‌کننده موفقیت اقتصادی جامعه مرتبط است، (Gotek, 2014, p. 263) نظام‌های آموزشی، ضمن تدوین سیاست‌هایی که از آزادی تربیتی برای انتخاب شغل حمایت می‌کنند، به بسط مباحث نظری و توسعه آموزش‌های عملی مبادرت ورزیده‌اند. اندیشمندان لیبرال، تلاش دولت برای آن‌که معتقدات نهایی اتباع کشور را پیشاپیش به‌نفع خود تحکیم کند، (Stuart Mill, 1984, p. 271) زبان‌بار می‌دانند و معتقدند؛ قرار نیست مدارس به‌صورت تربیون عقیدتی احزاب، جناح‌ها و برنامه‌های سیاسی درآیند. (Gotek, 2014, pp. 286-287) بر این مبنا، بر تفاوت میان سواد دینی^{۴۴}، تربیت دینی^{۴۵}، آموزش آموزه‌های دینی^{۴۶} و آموزش دین^{۴۷} صحنه گذاشته، با اتخاذ موضع بی‌طرفی، ترویج برنامه‌های درسی سکولار و اجتناب از تأیید باورها و آموزه‌های دینی، عنوان داشته‌اند؛ وظیفه مربیان فقط آن است که ادیان را عرضه کنند؛ انتخاب یکی از آن‌ها برعهده دانش‌آموزان است. (Moosavi, 2001, pp. 6-16)

بحث و بررسی

الف. نقد مبانی لیبرالیسم از منظر حکمت توحیدی

در نقد و نفی باور لیبرالیستی مادی بودن عالم، رجوع به برهان حدوث؛ از براهین عقلی و بدیهی خداشناسی، کفایت می‌کند. «متکلمین از راه حدوث عالم، در مقام اثبات صانع عالم برآمده‌اند. بیان متکلمین، از دو برهان تشکیل شده که نتیجه برهان اول، برای برهان دوم، صغری واقع می‌شود. برهان اول: «العالم متغیر و کل متغیر حادث، فعالم حادث.» نتیجه این برهان - فعالم حادث - را صغری، برای برهان دوم می‌دهند. «العالم حادث و کل حادث یحتاج الی محدث، فعالم یحتاج الی محدث.»^{۴۸} در این‌جا، آخرین نتیجه، از نظر متکلمین، یعنی نیاز عالم به محدث و صانع اثبات می‌شود.» (Motahari, 2013, p. 165) حکمت توحیدی، عالم را آیه‌ای از آیات توحیدی و هستی را نشانه‌ای از یگانه پروردگار هستی‌آفرین می‌داند. در هستی‌شناسی توحیدی، شناخت هستی حادث معلول ممکن‌الوجود قائم به‌غیر، به شناخت خداوند قدیم علت‌العلل واجب‌الوجود قائم به‌ذات می‌انجامد. ایمان به غیب، زندگی پس از مرگ و

⁴¹ René Descartes

⁴² Gottfried Wilhelm Leibniz

⁴³ Baruch Spinoza

⁴⁴ Religious literacy

⁴⁵ Religious Education

⁴⁶ Teaching Religious Teachings

⁴⁷ Religion Education

⁴⁸ «جهان متغیر است، آن‌چه متغیر است، حادث است، پس جهان حادث است، آن‌چه حادث است، نیاز به محدث دارد، پس جهان نیاز به محدث دارد.»

اولین همایش ملی علوم انسان در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



رستاخیز^{۴۹} از نشانه‌های اهل ایمان، ارکان اعتقادی حکمت توحیدی و نافی باور [صرفاً] مادی بودن عالم است. انسان محوری نقطه مقابل خدامحوری است. انسان لیبرالیستی، فارغ از دغدغه انجام تکالیف در برابر خداست و به دنبال احقاق حقوق خویش است. انسان در این عرصه، موجودی است محق، نه مکلف. (Nikzad, 2006) او مختار است؛ تصمیم بگیرد و به تدابیر شخصی‌اش عمل کند. به‌استناد براهین «علت و معلول» و «حرکت ارسطو»، که مؤید وجود خالق حکیم، ازلی و ابدی‌اند، لازم است تدابیر «مدبر عالم» اساس زندگی قرار گرفته و اطاعت از اوامر «حکیم علی‌الاطلاق» جایگزین پیروی از خواسته‌های انسان صاحب «خرد نسبی و دانش جزئی» و واجد «منویات ملون و تمنیات متغیر» شود که همواره عوامل و موانعی وجود دارند تا سیروورتش را کند کرده، در مراحل و مواقعی به تعویق اندازند. (Norouzi & KoochiEsfahani, 2013) انسان مادی و اقتصادی لیبرالیسم، موجودی خودمحور، رقابتی، کارآفرین و ارزش‌آفرین اقتصادی است. اما، انسان معرف حکمت توحیدی، موجودی تمام‌ساحتی، واجد ابعاد مادی و معنوی، بنده‌ای مکلف و عهده‌دار امانتی الهی است. این انسان، مرکب از بدن و روح است.^{۵۰} روح انسان، حقیقت وجودی اوست که از آن به «نفس» یا «من» تعبیر می‌شود. روح امری بسیط است که خواص ماده از جمله «قابلیت تقسیم» را ندارد و غیرمادی است. حکمت توحیدی، با اعتقاد به بعد روحانی انسان، انسان مادی تک‌بعدی را که امکان تحقق ابعاد وجودی‌اش فراهم نباشد، به رسمیت نمی‌شناسد. انسان لیبرالیستی، اصل اصیل هستی و عقل خودبنیاد خاستگاه شناخت و تکیه‌گاه معرفت‌شناسی لیبرالیستی است. حکمت توحیدی، ضمن تأیید عقل علمی-تجربی، آموزه‌های وحیانی را متکای معارف انسانی می‌داند و علم لایزال الهی را سرچشمه دانش بشری معرفی می‌کند.^{۵۱} از این منظر، خرد آدمی «خدابنیاد» است و عقل، وسیله تفکر و شناخت^{۵۲} و ابزار تشخیص صلاح^{۵۳} و تحصیل فلاح^{۵۴} است. «عقل خودبنیاد» افق زندگی دنیوی را نشان می‌دهد و «عقل خدابنیاد»، تصویرگر آفاق زندگی دنیوی و اخروی است. بدهی است؛ نفس سلیم، محدودیت را برنتابد و به قصد کسب سعادت دنیا و آخرت، در پی کشف افق‌های جدید برآید. لیبرالیسم، قیود و هنجارهای دینی و اجتماعی را مانع خودشکوفایی و ارضای نفس می‌پندارد (Shakerin, 2009, p. 307_308) و «آزادی منفی»^{۵۵} به معنای «آزادی از»^{۵۶} مداخله دیگران را بالاترین ارزش می‌انگارد. بنیادی‌ترین حق لیبرالیستی، حق فرد بر «آزادی» به معنای حق «عملی کردن اراده فردی» است که او را به «باحی‌گری»، «حداشناسی»، «تکلیف‌گریزی» و «مسئولیت‌ستیزی» (Asadpour, 2002) سوق می‌دهد. در نظام توحیدی، بر اساس قاعده فقهی و کلامی «کل ما حکم به الشرع حکم به العقل»، موازین شرعی و عقلی هماهنگ و مؤید آزادی‌های معقول افراد منطبق با قانون و هنجارهای اجتماعی‌اند. نظام توحیدی بالاترین ارزش را تقوا^{۵۷} و رمز آن را عبودیت^{۵۸} اعلام می‌کند. (ذاریات/۵۱) بنیادی‌ترین حق انسان را، حق بر کمال می‌داند (Dabirnia & SadatNaghavi, 2016) و سعادت را حاصل بندگی و حسن زندگی برمی‌شمارد.^{۵۹}

ب. نقد اصول لیبرالیسم از منظر حکمت توحیدی

فردگرایان لیبرال، انسان را خودمختار، خوداتکا، ارزیاب خواسته‌های خویش و منبع ارزش‌ها می‌دانند و نیازهای فردی را مبنای خیر به‌شمار می‌آورند، در مقابل جامعه‌گرایانی قرار دارند که معتقدند فردگرایی، به‌طور بدبینانه‌ای فقط تمایزها، جدایی‌ها و بیگانگی‌ها را ملاحظه کرده و چشم خود را روی عواطف مشترک، نوع‌دوستی‌ها، هم‌دلی و دیگر مقومات طبیعی حیات جمعی بسته است (Abolfathi & Nouri, 2012) و ایدئولوژی فردگرایی را شکست‌خورده تلقی می‌کنند. (Apple, 2021) نظام توحیدی، توأمان فرد و جامعه را

^{۴۹} «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (بقره/۴-۳)

^{۵۰} «تَمَّ سَوَاءٌ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» (سجده/۹)

^{۵۱} «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (بقره/۲۶۹)

^{۵۲} «إِنْ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره/۱۶۳-۱۶۴)

^{۵۳} «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَكَأَنَّ تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرُزِّقُكُمْ وَإِنَّا لَهُمْ وَكَأَنَّ تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ۚ وَكَأَنَّ تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام/۱۵۱)

^{۵۴} «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک/۱۰)

55 Negative Liberty

56 Freedom From

^{۵۷} «إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳)

^{۵۸} «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره/۲۱)

^{۵۹} «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (حج/۷۷)

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



مورد توجه قرار می‌دهد.^{۶۰} در آموزه‌های قرآن کریم، ایمان و عقیده مهم‌ترین معیار همبستگی جوامع‌اند.^{۶۱} هرچه روح توحیدی در انسان قوی‌تر باشد، انسجام اجتماعی بیشتر خواهد بود. (Fakhr_eZareh, 2015) نظام توحیدی، نظامی «حق‌گرا» است، نه تمایلات فردی را منبع ارزش می‌داند، نه مطالبات اجتماعی را مبنای خیر، بلکه حدود الهی را واجد ارزش و موجب خیر و صلاح معرفی می‌کند.^{۶۲} کثرت‌گرایان معتقدند؛ همه انسان‌ها به طریقی به حقیقت و نجات می‌رسند، ادیان از حقیقت واحدی سخن می‌گویند و اختلافشان لفظی، ظاهری و به‌نوعی بازی زبانی است. (Bidhendi & Noroozi, 2009) حکمت توحیدی، این ادعای را فاقد وجهت و آن‌را منافی مسلمات دین و ضروریات عقل به‌شمار می‌آورد. اعتقاد به حقیقت واحد، زمینه‌ساز وحدت و سعادت انسان‌هاست و کشف آن نیازمند معیاری معتبر. «یگانه معیار معرفت‌شناختی کشف حقانیت، نظریه بدهت و پذیرش بدیهیات مانند اصل محال بودن تناقض و اصل علیت و اصل هوهویت ... است.» (khosropanah, 2005) حال آن‌که تعدد ادیان و مکاتب، حاصل عقاید متضاد و معارف متناقض است و نتیجه نوع شناخت و نحوه مواجهه با حقایق عالم است و اختلاف ادیان ریشه در مبانی و اصولی هم‌چون توحید، تثلیث، تناسخ، معاد و تجسم روح ... دارد (Bidhendi & Noroozi, 2009) و امری ظاهری و قابل اغماض نیست. نظام توحیدی، پذیرش توحید را مایه سعادت و نجات می‌داند و ضمن توصیه به سلم،^{۶۳} پیروان سایر ادیان را به حق دعوت می‌کند.^{۶۴} براساس باور سکولار، از دخالت دین به‌عنوان موضوعی فردی و عبادی در امور اجتماعی جلوگیری می‌شود. حال آن‌که، حکمت توحیدی، عقیده را جزء لاینفک زندگی فردی و اجتماعی می‌داند. به تصریح قرآن کریم، پیامبران الهی آمده‌اند تا ضمن دعوت مردم به توحید، عدالت را در جامعه برقرار نمایند.^{۶۵} بنابراین، دین علاوه بر تعیین موازین رفتار فرد موحد، عهده‌دار تعیین و تثبیت موازین جامعه توحیدی است. از این منظر، دین بر تمامی شئون زندگی تأثیر گذاشته و با استقرار حکومت صالحان، انتظار می‌رود ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، صبغای الهی گیرند.^{۶۶} لیبرالیسم بر تسامح و تساهل رأی داده تا افراد در اظهار نظر و اشاعه عقاید آزاد و مختار باشند و با ابتنا بر این اصل، بر تربیت سکولار اصرار می‌ورزد و بی‌توجه به همین اصل، مانع ترویج تربیت دینی است. نظام توحیدی، مبتنی بر فطرت انسانی است که در آن به گواهی آموزه قرآنی «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره/۲۵۶) راه هدایت روشن شده است. حکمت توحیدی، تساهل مثبت را می‌پذیرد و مصادیق آن را در آموزه‌های قرآن کریم و سیره نبوی عرضه می‌دارد.^{۶۷} مثنی نظام توحیدی در تبیین شریعت به‌دور از اجبار و در تشریح احکام همراه با توصیه به رفق و مداراست، این امر، «حکایت از لزوم تسامح و تساهل مثبت با مردم دارد.» (Nikzad, 2006) با این‌حال، بررسی تاریخ دعوت انبیبای الهی، کوچک‌ترین مماشاتی را در مبانی، اصول و حدود الهی نشان نمی‌دهد. انبیا در انجام رسالتشان ثابت‌قدم بودند، تعاملشان با اهل ایمان، مشفقانه و برخوردشان با کافران شدید بوده است.^{۶۸} سودگرایی لیبرالیستی که بر منافع دنیوی تأکید دارد، رفاه مادی را شاخصه خوشبختی می‌داند و در این مسیر دنباله‌روی از امیال را خردمندانه می‌پندارد، از منظر توحیدی، به‌دلایل مختلفی محل اشکال است؛ نخست آن‌که در دوره‌های مختلف زندگی، مضامین منفعت و مصادیق لذت متفاوت است.^{۶۹} دیگر آن‌که انسان‌ها همواره با هم در اختلافند^{۷۰} و منافع ظاهریشان در تعارض است. مهم‌تر این‌که، نظام توحیدی «ایمان» و «عمل صالح» را مبنای سعادت‌مندی انسان موحد معرفی کرده و به ارائه راه کارهای سلبی و ایجابی در راستای تمتع دنیوی توأم با اجر معنوی و آرامش اخروی می‌پردازد. قرآن کریم،

۶۰ «أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَرَحِمَتَ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (زخرف/۳۲)

۶۱ «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران/۱۰۳)

۶۲ «... تَلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره/۲۲۹)

۶۳ «وَأَنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال/۶۱)

۶۴ «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ» (نساء/۱۷۱)

۶۵ «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵)

۶۶ «الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج/۴۱)

۶۷ «فَمَا رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا فَمَا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/۱۵۹)

۶۸ «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح/۲۹)

۶۹ «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» (حدید/۲۰)

۷۰ «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» (هود/۱۱۸)

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



منظومه‌ای از آموزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ارائه داده است که توسعه عدالت را با احسان و نیکوکاری پیوند می‌زند.^{۷۱} برخلاف مشی کاپیتالیستی لیبرالیسم که عدم توازن جامعه را به دنبال دارد و اقلیت برخوردار را می‌نوازد، «اهتمام اسلام به امر سیاست و حکومت و جهاد و قوانین سیاسی برای حفظ موارث معنوی یعنی توحید و معارف روحی و اخلاقی و عدالت اجتماعی و مساوات و عواطف انسانی است.» (Motahari, 1995, p. 31) در سایه‌سار حکومت توحیدی و با اجرای فرامین الهی و پایبندی به آموزه‌های دینی، توسعه عدالت، توزیع عادلانه ثروت، تأمین امنیت و زندگی با سعادت انتظار می‌رود. در لیبرالیسم، هر فرد، به تنهایی و براساس منافع شخصی، ضوابط امور خصوصی‌اش را تعیین کرده و دولت با هدف جلب رضایت حداکثری، برای امور عمومی جامعه قانون وضع می‌کند، این ضوابط و قوانین به دلایلی از جمله: ابتدا بر عقل نسبی افراد، اتکا بر سلاقی و علایق متغیر اشخاص، وابستگی به میزان رضایت‌مندی جامعه و... همواره به صورت بنیادی دست‌خوش تغییرند. وضع و اجرای قوانین غیرانسانی و غیراخلاقی حاصل رویکرد صدرا اشاره است. در حکمت توحیدی، واضع اصلی قوانین، حکیم علی‌الاطلاق است که به عدل حکم می‌راند. به همین دلیل، نظام توحیدی با ابتدا بر سنت‌های الهی،^{۷۲} واجد مجموعه‌ای جامع و هماهنگ از دستورالعمل‌های اعتقادی، عبادی، اخلاقی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی است که شرایط و ضوابط زندگی سعادت‌مندان دنیا و آخرت را تعیین کرده‌اند.

ج. نقد تکالیف نظام سیاسی لیبرال در قبال نظام آموزشی از منظر توحیدی

لیبرالیسم با تأکید بر آزادی آکادمیک بر مداخله حداقلی دولت^{۷۳} در نظام تعلیم و تربیت رأی می‌دهد تا موجبات آزادی عمل مراکز علمی و آموزشی را فراهم آورد. اما چگونه دولت این قابلیت را دارد تا خود را مجموعه‌ای از نهادهای خنثی و بی‌طرفی نشان دهد که بر اساس منافع عموم عمل می‌کند. در حالی که امروزه، مدرسه محل ارتباط و پیوند دولت، اقتصاد و فرهنگ به‌شمار می‌آید،^{۷۴} آموزش و پرورش وجهی از دولت و عاملی فعال در فرآیند کنترل هژمونیک^{۷۵} است (Apple, 2021) و دولت خود را مکلف به تأمین نیروی انسانی و تخصیص منابع اعتباری نظام آموزشی می‌داند. بر مبنای حکمت توحیدی، در جامعه‌ای که همگان، در برابر صلاح و اصلاح جامعه مسئولند^{۷۶} و «رئیس مدینه فاضله» مسئول آموزش شهروندان است، (Rafiei, 2013, p. 40) نمی‌توان از مسئولیت اجتماعی و رسالت تربیتی نظام سیاسی در قبال تأسیس و تقویت نظام آموزشی چشم‌پوشی کرد و نقش آن‌را در فراهم ساختن زمینه‌ها و امکانات تربیت شهروندان، هدایت فعالیت‌های تربیتی و نظارت بر عملکرد مراکز تعلیم و تربیت نادیده گرفت.

نظام سیاسی لیبرالیستی، بر عدالت تربیتی و توسعه آموزش‌های همگانی تأکید دارد. از آن‌جا که این موضوع، با نگاه کلاسیک لیبرال و اصول عدالت معاوضه‌ای و اصالت سود هماهنگی کاملی نداشته‌اند، جان راولز^{۷۷} به‌عنوان یکی از نواندیشان لیبرال تلاش کرده است؛ با بسط نظریه قرارداد اجتماعی و طرح نظریه عدالت در کتاب «نظریه‌ای در باب عدالت»^{۷۸} دو اصل «آزادی و حقوق برابر همه شهروندان» و اصل «برابری آحاد جامعه در برخورداری همسان از فرصت‌های برابر» را مورد توجه قرار داده و بر جبران تفاوت‌ها تأکید ورزیده است. راولز، علاوه بر کارایی اقتصادی و رفاه اجتماعی، بهره‌مندی افراد از فرهنگ جامعه را معیار سنجش ارزشمندی آموزش‌های همگانی قلمداد کرده است. در واقع، آموزش و پرورش همگانی را می‌توان دغدغه مشترک نظام توحیدی و دولت‌های لیبرال دانست، با این تفاوت که لیبرالیسم بر آموزش افراد و باسوادشدنشان تأکید دارد و نسبت به تربیت دینی موضع می‌گیرد، اما، حکومت توحیدی بسط عدالت آموزشی توأم با تمهید مقدمات تربیت دینی را وظیفه می‌داند.

^{۷۱} «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل/۹۰)

^{۷۲} «سُنَّهَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَكِنْ تَجِدُ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (فتح/۲۳)

^{۷۳} لیبرال‌های کلاسیک بر این باور تأکید داشتند، اما به‌مرور، آرای لیبرال‌های مدرن، معتدل‌تر شد. آزادی فردی و محدود کردن قدرت دولت، به‌عنوان اصول اساسی لیبرالیسم، گرچه مکمل یکدیگرند، گاه با هم در تعارضند؛ بدین معنا که گاه حفظ و توسعه حوزه آزادی فردی، مستلزم دخالت دولت می‌شود. از این رو، دموکراسی، به‌عنوان تحقق لیبرالیسم، در عمل متضمن حمایت از دخالت‌های دولت در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی است. (Bashirieh, 2019, pp. 5-6)

^{۷۴} مدارس سازماندهی شده‌اند، نه فقط برای آموزش «دانش به، دانش چگونه و دانش برای» بلکه به گونه‌ای که در نهایت به تولید دانش فنی/اداری لازم کمک کنند. (Apple, 2021)

^{۷۵} Hegemonic

^{۷۶} «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ» (تحریم/۶)

1) 77 John Rawls (1921_2002)

2) 78 A Theory of Justice (1971)

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی و فراهم ساختن لوازم تربیت افراد و اعتلای جامعه، تقویت نظام تربیتی و اصلاح روابط آن با سایر نظام‌های اجتماعی بر پایه حکمت، عدالت، وحدت، مصلحت و امنیت، تمهید مقدمات گسترش مشارکت سیاسی تربیت‌یافتگان نظام تربیتی مبتنی بر بصیرت و آزادی عقیده، از وظایف نظام سیاسی در قبال نظام آموزشی حکومت توحیدی است.

د. نقد مطالبات نظام سیاسی لیبرال از نظام آموزشی از منظر حکمت توحیدی

به‌طور کلی لیبرالیسم دارای دو هنجار رفتاری اساسی برای تحقق شهروندی است. یکی از هنجارها، آزادی از استبداد هرگونه اقتدار است، دیگری اعتقاد به هنجارهای شورایی - مذاکره، مخالفت و ساخت توافق عمومی با اعتقاد به برابری همگانی - است. (Shiani & Sedighi, 2014) لذا در ساحت آموزش و پرورش مدنی، مطالبه نظام سیاسی لیبرال از نظام آموزشی، تربیت شهروندان خوب واجد ویژگی‌های مذکور است. ویژگی‌های یاد شده، ضمن تکریم آزادی، آگاهی و برابری، بر خرد فردی و تدابیر جمعی تکیه داشته و از تأثیر عوامل مختلفی چون تمایلات و تمنیات و مانند این‌ها چشم‌پوشی می‌کند. انسان در نظام توحیدی، نه فقط مطیع خدا، رسول و اولی الامر و تابع حق است و در برابر خود، خانواده‌اش مسئولیت دارد بلکه عامل تغییر جامعه به‌شمار می‌آید. حکومت توحیدی از نظام آموزشی انتظار دارد، شهروندانی موحد، قانون‌مدار و صاحب‌بصیرت تربیت کند که ضمن رعایت حدود الهی، پایبندی به ارزش‌های انسانی، با امر به معروف و نهی از منکر، در سرنوشت جامعه نقش‌آفرین باشند. توجه نظام آموزشی لیبرال، به آموزش‌های عملی-کاربردی به‌منظور رفع نیازهای اقتصادی جامعه و بازار کار، عامل توفیق اقتصادی و لازمه کارآمدی شهروندان و کارگزاران، منوط به چند شرط اساسی مورد تأیید نظام توحیدی است؛ نخست آن‌که متریبان به فراگیری علوم نافع ترغیب شوند، دیگر آن‌که در مراکز آموزشی، فنون فعالیت‌های مشروع و کسب رزق حلال آموخته شود، سوم آن‌که، فناوری‌های روز مورد توجه قرار گیرند و آموزش‌های عملی-کاربردی یکی از ساحت‌های نظام موسع تربیت قلمداد شده و از سایر ساحت‌ها غفلت به‌عمل نیاید. تأکید بر تربیت تمام‌ساحتی بدان علت است که اگرچه، نظام توحیدی، بهره‌مندی انسان را در سعی و تلاش معرفی می‌کند^{۷۹} اما سعادت را در سایه ایمان و عمل صالح به‌تصویر می‌کشد^{۸۰} و بر آمادگی اهل ایمان تأکید دارد.^{۸۱} بنابراین، فراگیری علوم و فنون سودمندی که ضمن توسعه شناخت و تقویت باور، به افزایش رفاه و امنیت اجتماعی، تحکیم پایه‌های حکومت الهی، نشر و گسترش گفتمان توحیدی می‌انجامد، مورد تأکید نظام توحیدی است. «تربیت انسان آزاد» از مهم‌ترین اهداف مشترک تربیت توحیدی و تربیت لیبرالیستی است، لیکن، در تعبیر آزادی اختلاف اساسی وجود دارد. لیبرالیسم انسان آزاد را محق و فارغ از تکالیف می‌انگارد و نظام توحیدی، او را به‌قدر و وسعش، مکلف می‌داند.^{۸۲} حکمت توحیدی، بر آزادی درونی^{۸۳} و آزادی بیرونی^{۸۴} انسان تأکید دارد و انسان را به عبودیت و عمل به تکالیف فرامی‌خواند، از این منظر، تربیت موحد به‌مثابه «انسان خداپاور، تکلیف‌گرا و آزاد از امیال و اغلال» رسالت نظام تربیت توحیدی است. تکیه لیبرالیسم بر خردورزی و اتکای آن بر عقل علمی و تجربی به‌دلیل نسبیّت، محدودیت و عدم قطعیت آن از منظر حکمت توحیدی محل نقد است. عقل خودبنیاد لیبرالیسم، عقل معاش دنیا و عقل سودگراست و عقل خدابنیاد حکمت توحیدی، عقل متکی بر آموزه‌های وحیانی و عقل موسع سعادت دو دنیاست. حکمت توحیدی، آگاهی را مطابق با عقل و از شئون آن می‌داند و عقلی را که از تعلقات نفسانی، عاطفی و تمایلات این‌جهانی رها شود، خالص‌تر می‌نامد. عقل، شریعت باطنی است که اگر شوائب و اوهام رها شود، به معنویت نزدیک شده است. معنویت از معناست و معنا با نیروی عقل قابل درک است؛ بنابراین موطن معنا عالم عقل است و معنویت جلوه‌ای از آن عقلانیت. از این منظر، معرفتی که انبیبای الهی از حق تعالی دارند، نیز، عین عقلانیت است. اختلاف میان عقل تجربی و عقل وحیانی، اختلاف غیرعقل با عقل نیست، بلکه اختلاف میان مراحل و مراتب عقل است. عقل علمی یا علمانی یکی از موقف‌های عقل است و عقل دینی هم موقف دیگری. کسانی که عقل را در عقل علمانی به‌معنای تجربه،

^{۷۹} «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹)

^{۸۰} «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَبِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر/۲ و ۳)

^{۸۱} «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال/۶۰)

^{۸۲} «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره/۲۸۶)

^{۸۳} «أَقْرَأْتِ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (جاثیه/۲۳)

^{۸۴} «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران/۶۴)

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



خطا و آزمایش یا عقل آزمایشگاهی خلاصه می‌کنند، آن‌را با عقل وحیانی در تعارض می‌بینند. برای کسانی که این را جلوه‌ای از عقل و آن‌دیگری جلوه‌ای دیگر از عقل است، خودبه‌خود این تعارض برداشته می‌شود. عقل علمانی به‌کار تجربه می‌پردازد، طبیعت را از راه آزمایش، خطا و تجربه کشف می‌کند و عقل وحیانی در ماوراست و افق وسیع‌تری دارد. عقل علمانی متعلق عقل را از افقی تنگ و محدود می‌بیند و عقل وحیانی همان را از افقی وسیع‌تر می‌نگرد؛ افق وسیع و افق تنگ با هم تعارض ندارند، افق تنگ مضمحل در افق وسیع است؛ و تعارضی میان آن‌ها نیست. هیچ‌چیز در عالم، پس از حق تعالی افقش وسیع‌تر از عقل نیست. بنابراین همه‌چیز در عقلانیت معنا و جایگاه پیدا می‌کند. اولویت اندیشه اسلامی و آموزش‌های دینی آشنایی عمیق با آثار برجسته و فاخر فرهنگ عقلانی اسلام است. (Ebrahimi Dinani, 2003) نظام تربیت‌توحیدی ضمن توجه به آموزش‌های علمی و عملی، متوجه پرورش ایمان قلبی و باورهای معنوی است. طرفداران لیبرالیسم، در قبال تربیت دینی جامعه، موضع بی‌طرف و «نه الزاماً متعارض و یا متضاد» اتخاذ کرده و صرفاً دغدغه با سواد شدن افراد را دارند، (Stuart Mill, 1984, p. 271) لیبرالیسم، تربیت دینی⁸⁵ و ترویج عقاید مذهبی را با القا و تلقین ارزش‌ها⁸⁶ برابر دانسته، (Zarean, 2000) بر ترویج تربیت سکولار اصرار می‌ورزد. اصول سکولار در آموزش و پرورش شامل «کنترل و اصل مسئولیت دولت»، «حذف امور معنوی و آموزه‌های دینی» و «احترام و برابری فراگیر برای همه ادیان» است. (Byrne, 2014, p. 34-35) هواداران تربیت سکولار، وظیفه دولت را مراقبت از با سواد شدن افراد می‌دانند، فارغ از آن‌که این افراد معتقد یا مخالف مذهب بار آیند. موضوع تربیت سکولار از دو زاویه، قابل نقد است؛ نخست آن‌که ترویج باسوادی فارغ از تربیت اعتقادی، خود موضوعی ایدئولوژیک است و نظام سیاسی لیبرال ضمن طرح موضوع عدالت تربیتی، دغدغه تربیت سکولار را دارد. دیگر آن‌که برنامه درسی سکولار درصدد آموختن مهارت‌های لازم برای گذران زندگی است و مادی‌گرایی حاکم بر این برنامه، پدیدآمدن مسائل فردی نظیر انزوا، افسردگی و سایر اختلالات روانی و بروز مسائل اجتماعی نظیر خصوصی‌سازی تعلیم و تربیت،⁸⁷ تجاری‌سازی فرهنگ،⁸⁸ مصرف‌گرایی⁸⁹ و امثال آن‌ها (Zibakalam & Mohammadi, 2017, pp. 127-130) را موجب شده است.⁹⁰ حال آن‌که تربیت دینی جزء جدایی‌ناپذیر نظام آموزشی مبتنی بر حکمت توحیدی است. اسلام حکومت را موظف کرده، در قبال تربیت دینی دانش‌آموزان ایفای نقش کند. (HajiyDehabadi & MalikiBirjandi, 2002, p. 54) این نظام توأمان به مباحث مادی و معنوی توجه دارد و با ابتنا بر مبانی دینی، به تدوین محتوای تربیتی و ارائه برنامه‌های تربیت تمام‌ساحتی را که نسبت به تربیت لیبرال حالتی موسع دارد، می‌پردازد.

نتیجه

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی و نقد مکتب تربیتی لیبرالیسم با تأکید بر مناسبات نظام‌های سیاسی و آموزشی از منظر حکمت توحیدی بود که در نتیجه، هستی‌شناسی لیبرالیستی مبتنی بر باور جهان مادی با برهان حدوث نفی شده و باور عوالم غیب و شهود مورد تأیید قرار گرفت. انسان‌شناسی لیبرالیستی مبتنی بر تعریف انسان مادی و اقتصادی، با براهین علت و معلول و حرکت در اثبات خالق نقد و بر خدامحوری با تعریف انسان به‌مثابه عبد موحد تأکید شد. معرفت‌شناسی متکی بر عقل خودبنیاد، به‌دلیل تقیید عقل علمی-تجربی مورد نقد واقع شده و ضرورت تکیه بر عقل موسع خدابنیاد ایضاح شد. ارزش‌شناسی مرتبط با مفهوم آزادی منفی و رهایی از تکالیف به دلیل محدودیت آن و ضرورت تعبیر موسع از آزادی و پذیرش سایر ارزش‌های انسانی محل اشکال قرار گرفته و اقامه امر توحیدی، بندگی و آزادگی به‌معنای عمل به تکالیف الهی و آزادی از امیال و اغلال مورد توصیه واقع شد. مغایرت کثرت‌گرایی دینی با اصل محال بودن تناقض و اصل علیت و اصل هوویت اعلام شده و از آن‌جا که اختلاف و افتراق ریشه در مبانی و اصول ادیان دارند، بر اعتقاد به حقیقت واحد زمینه‌ساز وحدت، نجات و سعادت و تحکیم پایه‌های مکتب توحیدی توأم با تکریم سایر ادیان و مکاتب تأکید شد. از آن‌جا که تسامح

85 Religious Education

86 Indoctrination

87 Privatization of Education

88 Commercialisation of Culture

89 Consumerism

⁹⁰ در فرایند بازاری‌سازی درکی از جامعه به‌عنوان مجموعه‌ای از افراد مالک، احیا شده و هرگونه برداشت جدی از خیر عمومی به حاشیه رانده شده است. اثرات ایدئولوژیک این امر بسیار مخرب بوده است. خود ایده دموکراسی به‌گونه‌ای دگرگون شده است که دیگر نه مفهومی سیاسی، بلکه مفهومی اقتصادی به‌شمار می‌آید. دموکراسی به ایجاد شرایط «حق انتخاب آزادانه مصرف‌کننده» در بازاری بدون محدودیت تقلیل داده شده است. (Apple, 2021)

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبائی

hcwconf.ir



و تساهل تناقض آرا و رویه‌های لیبرالیستی را در اصرار بر توسعه سکولاریسم و اجتناب از ترویج ادیان عیان ساخته، در این خصوص، تلاش برای صلح و مدارا با پیروان سایر ادیان، همراه با قاطعیت در برابر شرک، کفر و الحاد توصیه شد. رویه لیبرالیسم در جدایی دین از سیاست به دلیل جدایی‌ناپذیری دین از عرصه‌های مختلف زندگی محل اشکال واقع شده و از دین، تعیین موازین، هنجارها، قواعد و ضوابط زندگی انتظار رفته است. اصول قرب و رضوان به معنای انجام تکالیف الهی در راستای منافع فردی و مصالح اجتماعی جایگزین اصل اصالت سود لیبرالیستی شده که موجب بروز تضاد، تعارض و تقابل میان منافع افراد، مصالح جامعه و ارزش‌های الهی انسانی است. در مقابل مساوات لیبرالیستی و عدالت معاوضه‌ای که ایجاد فاصله‌های طبقاتی و کاپیتالیسم را به دنبال دارد، بسط عدل و توسعه احسان رویه نظام توحیدی است. قانون‌مداری لیبرالیستی به فرد به‌عنوان قانون‌گذار حوزه خصوصی و به دولت به‌عنوان قانون‌گذار عرصه عمومی می‌نگرد، حال آن‌که، ضرورت اشراف قانون‌گذار بر ابعاد زندگی دنیوی و اخروی و محدودیت تدبیر فردی یا خرد جمعی موجب سفارش انسان‌ها به فرمان‌برداری از اوامر الهی است. علی‌ایحال، اگرچه برخی از دلالت‌های تربیتی لیبرالیسم از جمله آموزش و پرورش همگانی، آموزش و پرورش مدنی، آموزش عملی و کاربردی، تربیت انسان آزاد، خردورزی و پرورش عقل به‌ظاهر واجد وجوه مشترک و در باطن، به دلایلی چون تضاد درونی مبانی و اصول لیبرالیسم، توجه به عقل معاش و غفلت از عقل معنوی، چشم‌پوشی از تربیت تمام‌ساحتی و نظایر این‌ها، دارای اختلافاتی اساسی با آموزه‌های حکمت توحیدی‌اند و تفاوت در مبانی و اصول، برداشت‌ها و تعبیر متفاوتی از مفاهیم را شکل می‌دهد. ماهیت خداگرایانه نظام توحیدی و رویکردهای انسان‌گرایانه لیبرالیسم، تفاوت‌های مبنایی بسیاری میان آن‌ها به‌وجود آورده است. برخلاف رویه‌های لیبرالیستی، حکمت توحیدی بر اتحاد نظام‌های سیاسی و آموزشی تأکید دارد. رسالت نظام سیاسی را تربیتی و نقش آن را نظارت و هدایت جریان تربیت جامعه می‌داند. توصیه می‌شود، متولیان نظام آموزشی اسلامی، پیش از چرخش یا حرکت به سمت سایر نظام‌های آموزشی، با دقت در مبانی و اصول، بر شناسایی نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها، همت ورزند و ضمن بهره‌گیری از سیاست‌های مؤثر در بهبود شاخص‌های آموزشی، از بروز آسیب‌های تربیتی پیش‌گیری نمایند.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



A. References

- Abolfathi, m., & Nouri, M. (2012). Socialists and the Critique of Individualism and Neutrality of the Liberal Government. *Fundamental Westernization*.
- Adalatnejad, S. (1994). The relationship between the government and the education institution. *marifat*, 68-72.
- Alagheband, A. (1996). *Sociology of Education*. Tehran-Iran: Ravan Press (In Persian).
- Apple, M. W. (2021). *Education and Power* (H. Jalili, Trans.). Tehran, Iran.: Farhag Javid Publisher.
- Arbalster, A. (2013). *Western Liberalism: The Rise and Fall* (A. Mokhber, Trans.). Tehran-Iran: Markaz Publishing (In Persian)
- Asadpour, R. (2002). *Critical Points in the Epistemology and Anthropology of Liberalism*, (Vol. No. 22). Tehran-Iran (In Persian) Book Review.
- Bagheri, K. (2009). *A New Look at Islamic Education, Volume One, (Exploring the Theoretical Framework of Islamic Education)*. Tehran-Iran: Educational Research and Planning Organization, Borhan Cultural Institute, Madrasa Publications (In Persian).
- Bagherzadeh, M. R., & Heidari, A. (2016). Critique of the Principles of Freedom in Liberalism from the Perspective of Islam. (*Andishehaye hoghough omoomi*) *Public Law Legal*, 5(2).
- Bashirieh, H. (2019). *History of Political Thought in the Twentieth Century, Liberalism and Conservatism* (Vol. 2). Tehran-Iran (In Persian): Nashr-e Ney.
- Bidhendi, M., & Noroozi, A. (2009). The Holy Quran and Religious Pluralism. *Interdisciplinary research of the Holy Quran* (In Persian), 1(3), 41_53.
- Byrne, C. (2014). *Religion in Secular Education: What, in Heaven's Name, are we Teaching our Children?* *International Studies in Religion and Society*, (Vol. 21). Leiden_Holand: Brill.
- Cooray, L. J. M. (1988). *The Australian Achievement: From Bondage to Freedom*. Australian Australian Achievement Project.
- Dabirmia, A., & SadatNaghavi, F. (2016). Principles of Legislation in the School of Liberalism and Imami Religion, . *Quarterly Journal of Comparative Research in Islamic and Western Law* Volume 4, Number 1, 57-84.
- Ebrahimi Dinani, G. H. (2003). Rationality and spirituality in Islam., *Quarterly Haft Aseman*.
- Fakhr_eZareh, s. (2015). Society from the perspective of the Quran., *Journal of Quranic Knowledge*, 5(16), 93_122.
- Forghani, B. (2016). *Social justice from the perspective of liberalism* (Vol. 1). Tehran-Iran: Donyay-e Eghtesad publisher (In Persian).
- Foroughi, M. (2009). *The Course of Wisdom in Europe*, . TEHRAN_Iran: Hermes Publishing, Second Edition, (In Persian).
- Ghorbani, G. A. (2017). Kant and forging the meaning of life in the modern era. *Naqd va Nazar; The Quarterly Jomal of Philosophy & Theology* (In Persian), 22(3), 4-33.
- Gotek, G. A. (2014). *Philosophical Schools and Educational Opinions*, translated by (M. Pakseresh, Trans.). Tehran-Iran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books, (samt), Center for Research and Development of Humanities (In Persian).
- Grudin, R. (2020). *Humanism*. In *Encyclopedia Britannica*. : <https://www.britannica.com/topic/humanism>.
- HajiyDehabadi, M., & MalikiBirjandi, A. (2002). *Islamic education: education; Reforms, religious education*, . Qom-Iran: Center for Islamic Education Studies, affiliated to the Ministry of Education, Islamic Education Publishing (In Persian).
- Heydari, M., Arabi, Z., & Emami, R. (2012). *A Comparative Study of Values in Islam and Liberalism and the Implications of Moral Education*, . *Islam and Educational Research*, (In Persian), Volume 4, Number 2, (8 in a row), 85-106.
- Hosseini, R. (2009). *A Critique of the Capitalist Perspective on Economic Man*. *Critique Book Quarterly*, 210-251.
- HosseiniSuraki, S. (2005). The meaning and nature of profit in the view of utilitarians, No. 37-38.
- Jackson, B., & Stears, M. (2012). *Liberalism as Ideology: Essays in Honour of Michael Freedon*. OUP Oxford, M02, 16 - 291.
- John Hick , translated by , . (1999). *Issues of Religious Pluralism* (A. Gavahi, Trans.). Tehran-Iran: Tebyan Publications.
- Jorjani, A. I. M. (1991). *al_tarifat*. Tehran-Iran: Nasser Khosrow Publications (In Persian).
- Kardan, A. M. (2002). The course of educational views in the West Tehran-Iran: Samat Publications (In Persian).
- Kautz, S. (1999). Liberty, Justice, and the Rule of Law. *Yale Journal of Law & the Humanities*, 11(2, Art6), 435_468.
- khosropanah, A. (2005). The process of emergence and development of John Hick's pluralist theory and its implications. *qabasat* (In Persian), 10(37), 121-136.
- Lagenhausen, M. (2018). *Islam and Religious Pluralism* (N. Javandel, Trans.). Tehran-Iran: Taha (In Persian).
- Laing, J. A. (2007). *HumanValues: NewEssays on Ethicsand Natural Law_ Law, Liberalism, and the Common Good* (D. S. Oderberg & T. Chappell Eds.): Palgrave Macmillan.
- M. Freeland, R. (2009). *Liberal Education and Effective Practice: The Necessary Revolution in Undergraduate Education*. *Liberal Education*, 95.
- Matthew, R. (2017). *Liberal Education for Freedom*. National Affaris.
- MeiksinsWood, E. (1972). *Mind and Politics: An Approach to the Meaning of Liberal and Socialist Individualism*. California-America: University of California Press.
- Mohammadi, H., Bagheri, K., Talkhabi, M., & MirzaMohammadi, M. (2018). Education and Competitive Entrepreneurs: A Reflection on the Evolution of the Concept of "Economic Man" from the School of Classical Liberalism to Neoliberalism, . *Journal of Fundamentals of Education*, Ferdowsi University of Mashhad (In Persian), 2, 123-142.
- MohammadRezaei, M., & Karimzadeh, T., , *Comparative Alphabet*, Pages (2010). Comparison of the views of John Hick and Seyed Hossein Nasr on religious pluralism. *Comparative Theology* (In Persian), Volume 1, Number 2, 19-40.
- Mohseni, A., Farhadi, A., & Qamarian, N. (2014). Study and explanation of the position of the government in the cultural arena of society from the perspective of Islam and liberalism Strategy (In Persian), 23rd year, No. 72, 7-24.
- Moosavi, s. M. S. (2001). The position of the Alawite government in religious education; Sensitivity or indifference., *Marifat (Journal of Knowledge)* (In Persian), 6_16.
- Motahari, M. (1995). *Imamate and Leadership* (16 ed.). Tehran-Iran: Sadra Publications, (In Persian)
- Motahari, M. (2013). *Collection of works of Master Motahari, Detailed description of the system (2)* (Vol. 10). Tehran_Iran (In Persian): Sadra Publications.
- Motahari, M. (2006). *Collection of works of Shahid Motahari Volume 2 (Monotheistic Worldview)*. Tehran_Iran: Sadra Publications (In Persian).

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



- Nikzad, A. (2006). Tolerance in the Teachings of the Great Prophet (Vol. 9). Tehran-Iran: Andishe-e Taqrib (In Persian).
- Norouzi, R. A., & KoohiEsfahani, H. (2013). A Study and Explanation of the Concept of "Transcendent Man" from the Perspective of the Holy Quran, . Research Journal of Quranic Education (In Persian), 4(14), 101-130.
- RabbaniGolpayegani, A. (2007). Analysis and Critique of Religious Pluralism. Tehran_Iran: (Danesh Va Andisheye Moaser) Contemporary Knowledge and Thought (In Persian).
- Rafiei, B. (2013). Great Muslim Educators (Summary of Volumes 1-5 of Muslim Scholars' Opinions in Education. Qom-Iran: Seminary and University Research Institute and the Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Samat) (In Persian).
- Ragheb Isfahani, H. I. M. (502 AH). Almofradat alfaz Al- Qur'an. Damascus:Beirut: Dar al-Qalam; Al-Dar Al-Shamiya, 1416 AH = 1996 AD = 1374.
- Ragin, C. (2017). The Comparative Method: Moving Beyond Qualitative and Quantitative Strategies (M. Fazeli, Trans.). Tehran-Iran,; Agah Publications.
- Sanehpour, M. (1999). Epistemological Foundations of Humanism. Ghabsat Scientific Research Quarterly, Fourth Year, No. 12, 100-105.
- Shakerin, H. (2009). Liberalism and Islam. Book Review, 50, 291-323.
- Shapiro, J. S. (2001). Liberalism, its meaning and history, translated by Mohammad Saeed Hanaei. Tehran-Iran: Markaz Publishing (In Persian).
- Shiani, M., & Sedighi, F. (2014). Who is the "good citizen" of the norm? Iranian Journal of Sociology (In Persian), 15(4), 71-110.
- Stanford Encyclopedia of Philosophy. (2018a). Civic Education. In.
- Stanford Encyclopedia of Philosophy. (2018b). Rationalism vs. Empiricism. In (First published Thu Aug 19, 2004; substantive revision Thu Jul 6, 2017 ed.).
- Stuart Mill, J. (1984). A Treatise on Freedom (J. Sheikha-ol-Islami, Trans.). Tehran-Iran:: (Entesharat Elmi Farhangi) Scientific and Cultural Publishing Center.
- StuartMill, J. (2001). On Liberty. Canada: Batoche Books Kitchener.
- Tavakoli, G. H. (2003). Religious Humanism and Secular Humanism. (Pajhoohesh-haye Falsafi kalami) Philosophical-Theological Research, 45-64.
- Tavassoli, T. (2019). Conceptual Analysis Method in Determining Educational Goals from Richard Peters' Perspective: Expression and Criticism. Journal of Fundamentals of Education,, 10, 59-75.
- Tohidfam, M. (2004). Cycles of Liberalism An Introduction to the History of Political Thought in the Twentieth Century. Tehran-Iran: Rozaneh Publications (In Persian).
- Tusi, K. N. a.-D. (1977). Nasiri ethics (M. Minavi & A. Heidari Eds.). Tehran-Iran: Kharazmi Publications (In Persian).
- Vaezi, A. (2003). Islam and Liberalism. Baztab Andisheh (Reflection of Thought), 15-22.
- Vakili, H. (2005). Critique of Western Humanist Principles of Human Rights (Vol. 36). Tehran-Iran: Book Review (In Persian).
- Yannis, H. (2019). Reclaiming Liberal Education. Education Sciences, 9(4).
- Zarean, M. (2000). Religious education, liberal education. Journal of Marifat, 33.
- Zibakalam, F., & Mohammadi, H. (2017). From the educational school of liberalism to neoliberalism: University of Tehran Press (In Persian).